

پیام حضرت آیت اله العظمی خمینی مجازات اشخاص با محاکم صالحه است و هیچ مسلمان حق آزار و اذیت دیگران را ندارد



حضرت آیت اله العظمی خمینی
انصاف، بدون دعت حقوقی
انجام می گیرد، که شاهد بر آن
است که دست های ناپاکی در کار
رفته در صفحه ۴

از توطئه ای خطرناک حکایت
می کند.
گفته می شود اعلامیه های
بدون امضاء در تهران و شهرستانها
منتشر می شود و اشخاص بسیاری
را به اسم ساواکی ویا عامل رژیم
تهدید به قتل می کنند و خانه های
را باهمین بهانه ها سوزانده و زن
و فرزندان آنان امانت ندرود و
آزار داده اند.
بطوری که از ایران اطلاع
داده اند اعمالی برخلاف اسلام و

بسم الله الرحمن الرحیم سلام و
تهنیت بمعمود ملت ایران ایدم الله
تعالی مطالبی از ایران می رسد
متن این پیام که به تاریخ ۱۰
۹۹ (۱۹ دی ماه) می باشد،
به شرح زیر است.

امام خمینی در پیامی که
خطاب به مردم فرستاده اند، در
بارها که توطئه جدیدی عدا داده اند

**رسیدگی به ۳۵۰۰۰ اعلام جرم
اکثر اعلام جرم ها مربوط به آراء صادره
از کمیسیونهای اختصاصی است**

مهر ایران

روزنامه یومیه مستقل سیاسی واجتماعی
صاحب امتیاز و مدیر مسئول محسن موقر
شماره ۴۶۷۵ - پنجشنبه ۱۴ دی ۱۳۵۷ - دوازدهم صفر ۱۳۹۹
تک شماره - ۱۰ ریال

**در تعقیب و مجازات
خلافکاران تأمل جائز نیست**
در شماره گذشته مهر ایران خبری انتشار یافت که گویا
سورتی ویلیستی از قریب سه هزار نفر افراد و عناصری که در ۱۵ سال
آخر دوران حکومت (هویدا) چه در سازمان های دولتی و چه در
بقیه در صفحه ۴

۴ پالایشگاه شروع به کار کردند

پالایشگاههای تهران، شیراز
تبریز و کرمانشاه از دیروز به منظور
بهره برداری برای رفع نیازمندی
های داخلی معقول بکار شدند.
همچنین اعلام شد در نتیجه
مذاکرات و اقداماتی از طرف
آقای مهندس مهدی بازرگان و
هیات همراه ایشان در مناطق نفت
خیز و همراز صورت گرفت کلبه
پالایشگاههای کشور کار خود را از
سر گرفتند و انتظامی رود با کوفتش
و تلاش میدانه کارکنان صنعت نفت
در نواحی مختلف هر چه زودتر
محصول پالایشگاههای کشور در
محترم هموطنان عزیز قرار گیرد.

تظاهرات مردم در زیر ریزش برف همچنان ادامه دارد

شهرستانها در اصفهان گروهی از
مردم در دروزشگاه باغچه های این
شهر اجتماع کردند و در زیر باران
یا در دست داشتن عکسهایی از
آیات نظامی به تظاهرات پرداختند
در این تظاهرات چشمه تن
سختی را کردند.
همچنین در مبارکه در ۳
کیلومتری اصفهان مردم این
شهر نیز تظاهرات آرامی انجام
دادند.
خبرگزاری پارس گزارش داد
بدنبال اقامت ۳ ماهه حضرت
آیت اله مهندس علی ابطحی
بقیه در صفحه ۴

از يك مقام قضائی كسب
اطلاع شد كه در سه ماهه اخير
مجاوز از ۳۵۰۰۰ اعلام جرم
بر علیه بعضی ان مقامات دولتهای
گذشته به ديوان كیفی و دادرسی های
تهران و شهرستانها تسليم گردیده
است.

این اعلام جرمها اكثر ا
مورد اعمال زور و تعدی ماموران
عالی مقامهای گذشته بوده كه با
تهدید و ارعاب تمهید زیادی از
اموال مردم را طبق قوانین كمسیون
های اختصاصی با رای قطعی ضبط
كرده اند.
بقیه در صفحه ۴

مسئول سازمان زنان به داد گستری احضار شد

دیرتر زنجار شد كه مسئول
سازمان زنان به داد گستری احضار
شده است.
بطوریکه خبر نگار ما گزارش
می دهد علت احضار وی شکایتی است
كه از طرف همسر از مردان علیه
نامبرده به داد گستری تسليم
شده است.
شاکیان مدعی شده اند كه
بعضی از همسران ایشان در سازمان
زنان و عدم رسیدگی به وضع خانه و
خانواده ناگزیر زنان خود را طلاق
داده اند و بهمین دلیل در امر
خانوادگی با مشکلات زیادی مواجه
شده اند و در حالیکه وظیفه اصلی
سازمان زنان امداد بانوان شوهر
دار به سازش و تمكين از شوهران
خود و نگهداری بچه ها و تحكيم
میلانی خانواده است كه بنا به ادعای
شاکیان در این مورد سازمان زنان
كوتاهی نموده است.

**حزب (راما) هر نوع حکومت
فردی و هر نوع حکومت
استبداد فردی و گروهی
را محكوم كرد**
حزب (راما) هشدار داد كه ریشه های
استبداد داخلی و استعمار خارجی هنوز
بجای خود باقی است
دیركل حزب راما آقای
دكتر مزارعی كه یکی از اعضای
برجسته و از روشنفكران مبارز و
خوشنام کشور است و سالها سابقه
مبارزات آزادیخواهی داشته است به

تجدید حیات حزب راما دست زد و
در پسانه زیر اهداف و نظرات
خود را اعلام میدارد.
بقیه در صفحه ۳

شرط نخست وزیری من خروج شاه از ایران بود

ممکن است جمعی از مقامات فاسد مملکت اعدام شوند

از: محمد اسماعیل وطن پرست
پاسداران استقلال ایران
برای گرو امید داشت نام سردار استقلال میهن
ایرانیان پسران خود را ابو مسلم نام نهادند
ابو مسلم بمنظور بدین جهت دستگاه خلافت امویان که بر پایه ستم
و بی عدالتی برقرار بود، لشکر عظیمی مرکب از جوانان سلجوق
ایرانی تربیت داد و در مبارزه با «مروان» خلیفه اموی شد.
مروان ساهی از سربازان شامی و عراقی بمقابله ابو مسلم فرستاد و
در جنگی که در نزدیکی رود دز آب، بین قوای طرفین اتفاق افتاد
بقیه در صفحه ۲

۲۰۰ کشتی ماهیگیری ناپدید شدند

خبرگزاری هند گزارش داد
كه يك ناوگان از كشتی های
ماهیگیری هند كه روز گذشته
گشت برای صید ماهی از آبهای
در جنوب هند صاف
آقایان هند شد و تقریباً ۲۰۰ کشتی
مراجعت كند بدنبال يك طوفان
شدید متعوق الاثر گردیده است.
گفته می شود در جریان این
حادثه ۲۰۰ كشتی ماهیگیری و
۱۵۰ ماهیگیر ناپدید شدند.
با این حال مسئولان هندی
محدود آمود دارند كه عده ای از این
ماهیگیران به بقدر گاه باز گردند.

بانو گاندی مجدداً تحت تعقیب قرار می گیرد

دولت هند تصمیم گرفت كه
بانو گاندی و دیگر شخصیت های
دولت ویرای آنها به سوءاستفاده
از قدرت در دوران اعلام حکومت
نظامی به داد گاه های عادی اعزام
دارد تا تحت پیکر قانونی و داد
رسی قرار گیرند.
خبرگزاری هند اعلام كرد
این تصمیم در جلسه هیئت دولت
كه به ریاست موراجی داسی نخست
وزیر هند تشكيل شده بود اتخاذ
گردید.
وزیران دولت اظهار عقیده
كردند كه احتیاج به تشكيل داد

سربازان ایرانی از جنوب لبنان فرا خوانده شدند

در لاهه با یغیت هلند اعلام
شد كه به دنبال تقاضای دبیرخانه
سازمان ملل متحد، احتمالاً کشور
هلند واحدهای سرباز برای
جانشینی سربازان ایرانی و
فرانسوی كه از نیروهای سازمان
ملل متحد در جنوب لبنان فرا
خوانده شده، باید کشور اعزام
خواهد شد.
منابع آگاه اعلام كردند كه
دولت هلند تصمیم نهایی را در این
مورد در جلسه هیئت دولت كه امروز

**پذیرش تحصیلی ۴ روزه
با تلس و تلفن
آمریکا - انگلیس - فرانسه**
۶۲۳۶۷۴ - ۶۲۳۰۱۲ - ۶۲۳۹۷۲ - ۶۲۳۷۵۵

دکتر شاپور بختیار گفت:

**شرط نخست وزیری من
خروج شاه از ایران بود**
ممکن است جمعی از مقامات فاسد مملکت اعدام شوند

۲۶۶ نفر از محکومان دادگاه- های نظامی آزاد میشوند

خبر نگار ما گزارش میدهد
ظرف روزهای آینده گروهی دیگر
از محکومان دادگاههای نظامی از
زندان آزاد خواهند شد.
۲۶۶ نفر از محکومان دادگاه
های نظامی عفو شده و امر در دستور
آزادی آنان به اداره زندانهای ابلاغ
شد و انتظار می رود در روزهای
آینده به تدریج گروههای دیگر
از محکومان دادگاههای نظامی
مورد عفو قرار گرفته و آزاد شوند.
بر اساس اطلاعیه اداره دادرسی
نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران
اعلام شد ۲۶۶ نفر از محکومان
دادگاههای نظامی که به علت
ارتکاب جرائم مختلف محکومیت
حاصل نموده و در زندانهای شهربانی
مرکز زندانی بوده اند مورد عفو
واقع دستور آزادی آنها با اداره
زندانها ابلاغ گردید که فوراً از
زندان آزاد شوند. موضوع عفو
بخشودگی سایر محکومان نیز در
دست بررسی است تا بتدریج مورد
عفو قرار گیرند.
وزارت نیرو اعلام کرد در این
نزد مین سوخت مایع و گاز به
نیروگاههای ری و لوشان و قسمتی
از نیروگاه فرج آباد این نیروگاهها

نیروگاههای برق تعطیل شد

تعطیل و در نتیجه تامین برق در
شهرهایی که از شبکه سراسری تندی
می شوند منجمد تهران با کمبود
بقیه در صفحه ۴

مقام سعدی

در ادبیات فرانسوی

قسمت چهارم

ارستو در آن مقام هوشیار و صاحب نظر فرانسوی در همین مبنی میگوید (۱۸۸۰) «سعدی واقعا یکی از نویسندگان ماست، ذوق سلیم و تیز نظر و ناپذیر اولطف و جاذبه‌ای که بر وایتش روح و جان میبخشد لحن سخریه آمیز و بر عطر قوتی که با آن مایه‌ها و مفاسد بشریت را در میخندد و طعن میکند. این همه اوصاف که در نویسندگان شرقی ندرت جمع می‌آید او را در نظر ما جزو می‌دارد. وقتی آثار سعدی را می‌خوانیم گویی یک نویسنده اخلاقی و حکمت آموز رومی یا یک منتقد بذله‌گو و شوخ طبع قرن شانزدهم سر و کار داریم».

موجبات ادبیات سعدی بطور اجمال در این تحلیل هوشمندانه شارل دورمری (مترجم گلستان) آمده است.

«مطالعه بوستان به اندازه گلستان لذت بخش نیست. این امر همانطور که سیلستر دورمری نشان داده به علت یکتاختی وزن و بحر بوستان است. به علاوه اندیشه‌های عرفانی سعدی در بوستان بیشتر از گلستان در سوخ کرده و جاز گرفته‌اند. خرده دیگری که به بوستان می‌توان گرفت وفور استعارات و کنایات و صناعات لفظی و احیانا ابهام و اضطراب است. با وجود بر این بوستان بجهت مختلف مورد پسند دوستداران ادبیات و تاریخ شرقی قرار خواهد گرفت و حتی شاید بیش از گلستان برای آنان جذاب و سودمند باشد. زیرا روایات تاریخی آن فراوانتر است و این روایات در بوستان بطور کلی توسعه و بسط بیشتری یافته‌اند. علاوه بر این بوستان حاوی نمونه‌های عالی و ارستکی و احسان و قوتی است.

در بوستان استعارات و تشبیهات و صرب‌الملتها و اشارات به معتقدات خرافی مسلمین را به وفور می‌توان یافت و آشنائی به این نکات که بدون شرح و تفسیر ممکن نیست ضروری است. ازین هاملت در مقدمه ترجمه گلستان به لهجه پروانسال از مشقات زبان فرانسه نخست از نفوذ و رسوخ تدریجی علم و ادب شرق در سرزمین فرانسه از روزگار جنگهای صلیبی و فتح اسپانیا بدست اعراب تاسدهای هفده و نوزده که خصوصاً شهرواد شرق در فرهنگ فرانسه اهیتی بسزایافت و به مقام و مرتبتی بلند رسید و گویندگان از رنگی بترجمه و اقتباس آثار شرق پرداختند و نویسندگان و ادبا و ناپاشنامه نویسان از این منبع سرشار الهام گرفتند سخن میگویند و سپس می‌نویسد:

«با اینهمه چیز نمیشاید که تنگنایان و زندگان به سعدی عنایت و انتفاع خاصی می‌جوید داشته‌اند.

آدمه دورمر در سال ۱۹۳۴ نخستین بار گلستان را به زبان فرانسه ترجمه کرد و در سال ۱۹۵۱ در آستردام آنرا به سلاتینی برگردانید.

در سال ۱۷۰۴ و سال ۱۷۸۹-۹۱ ترجمه دیگری آن توسط Abba Canoin چاپ شده، در قرن نوزدهم ترجمه Semelot در سال ۱۸۳۴ و ترجمه دوم فری به سال ۱۸۵۸ انتشار یافت. گلستان در واقع مورد قبول طبع نظریه و فیلسوف ماب پدرا لیا افناد. این کتاب... که سبک ساده و بی‌تکلف آن دوتی سخن از نویسندگان آسیائی در میان آیه های شگفتی است علاوه بر جده و تشبیهات تاریخی درستی که ادبیات شامل همه چیز بود و خصوصا تاریخ اجتماعات و ملل را در بر می‌گیرد و تنها نیروی بهمار میرفت می‌بایست لطافت و گیرندگی خاصی داشته باشد. وی در آردن سودت با آنسلی از گویندگان نویسندگان دوستان ایران و فرانسه فری یکی ملهم و معانی انهمی وادب و حکمت شرقی از آغاز تا قرن ۱۹ می‌دهد.

«آنگاه که مخصوصا بهر طریقی به تأثیر هر ق در زمینه ذوق و خیال مردم غرب زمین بود حال باید از تأثیر هر ق در ردقوئل و قلمرو فکر فرنگیان داشته است و دوست داشت آن ظاهر ا کمتی از تأثیر نخستین نیست سخن گوئیم و برای این مقصود نمونه و شاهد بهتری از ادبیات نمی‌توانیم یافت»

«می‌توان گفت که گلستان کتاب اخلاقی علمی و پیامد و اعمال زندگی است و اگر اندیشه تنظیم و تدوین مجموعه‌هایی به این سیاق و عنوان (اخلاق علمی) که در مدارس قدیم با بصورت کتاب دسی معمول بود از گلستان سدهی اخله نهاده باشد قفسر می‌تواند گفت که در خاطرات دوردست کورد کی‌مان خاطر میهم کتاب اخلاق علمی کلاسیکی را می‌بینیم که حکایات شرقی آن با حکایات سدهی شهابت فرسوادا داشته... تأمل اخلاقی‌ای که بسادگی از نوشته‌های او استنتاج و مسفاذ می‌شود بخوبی معرف افتخار هوش مردمی است که از دش واقعی هر چیز را در این جهان بازشناخته و بدون قیل علاقه از امور دنیوی در آج فکر و دودره زمت اندیشه احکام سر نوشت را بهینه تسلیم و رضا نکرده است.

هر چند مردم عفا مومن و مذهبی است ولی در سرافیب هر آن نیتاده و واقیت جهان را انظر نیا نداشته است. این فلسفه آرام بخش و صفا و وفای الفت آنکین سدهی که گاهگاه در پی بهینه‌دنی طرفت به نیتان است پدیان ما را معظوظ میده‌اند. سعدی در پیچکاد و نیتان و مقامی بی چلین داشت. فیلسوف دسامان با خود Zedig را در میان نام سدهی و بصورت ترجمه یکی از نوشته‌های او منتشر کرد گلستان ظاهرا در قرن هجدهم کتاب برگزیده‌های سعدی از طبع و ذوق و ممتاز و است. و حاصل دریا به جنبه گلستان از آزمان ادستانی نقل می‌کنند که ما خلاصه آنرا در اینجا می‌آوریم. و قتی که سدهی کاردو بر ریاست جمهوری فرانسه رسید نام قیبه شرقی ادبیکواری مردم را برانگیخت.

برخی می‌پنداشتند که سدهی نام پدرا دوتس کاردو آنرا با هم خود آفروده از ایر و نام اوراسمدی که کارنو می‌خواستند. بحث در باب این چه تسمیه که بگویم و باز از کتید و در افواه عام افناد روزنامه نگاران فرست طلب ادعای سر مردم را به بق باطل داشتند اما توضیح نداشت دیگری با آن عایب ساخته بزم آنان چون یکی از مجموعه‌های نسی جمهور گلستان را به فرانسه ترجمه کرده بود نام سدهی را و خاندانی بیامند. هیچکدام از این پندارها به یاد و میاه دست نیاورند. ژرژ آلرندو مردی ادب دوست و دانشمند بود ولی نه از ادبیکواری دیگری از خاندانش گلستان سدهی را به زبان

پاسداران استقلال ایران

بقیه از صفحه اول

لشکر ایران مروان پستی شکست خورده و چند به دست با بیعت امویان توسط جنگجویان ایرانی فتح شد و با فرامروان دوم سال ۱۳۴ هجری خلافت بخاندان بنی عباس معقل گردید.

«اوبالاس سفاخ» اولین خلیفه عباسی چون خلافت رسیده در نخستین خطبه‌ای که در مسجد کوفه ایراد کرد، از انده انکار ایران را پاسداران کرد. همچنین روزی که در کوفه برای اوبالاس سفاخ انعزوم بیت می‌گرفتند «داده» مدوی اوبالی میرفت، قیام مردم دلیبر خراسان موجب استقلال خلافت بخاندان عباسی شد و ما همیشه ملت ایران و دوستان خراسانی خود را گرمی خواهیم داشت. سفاخ نخستین خلیفه عباسی با اینکه مقام و موقعیت خود را مدیون ابومسلم و ایران را دیگری بود که با مبارزه و پیگیری امان خویش به دوران حکومت و خلافت «مروان» اموی پایان بخشیده بودند هر چند در سفرهای فریبده خود، از قوم ایرانی تلیل و قدس دانی کرد و علاوه بر بروعه کاش مالیاها و عده‌های فریبده دیگری نیز به آنان داد در دل لیبت با ایران را خویشتن نیرو و از انکه می‌دید همه مردم حتی اعراب ایرانی ابومسلم به عظمت و نیکی پیامد می‌کنند احساس و حجت میکرد. از این بر صلاح خود را در دود بود ابومسلم از مرکز خلافت دانست و بدین منظور مقام او را که عملا فرمانروای خراسان بود از نظر دینی رسمیت داد.

به عبارت دیگر که پیش به حققت زید کاست با صد فرمان حکومت خراسان برای ابومسلم خلافت خود را مسجل کرده و در دود وسیع کوفه‌های اسلامی عمرش نمایش در آورد. او در نامه دوستانه ملاطفت اموی که با ابومسلم نوهت در خواست کرد به حقیقت خلافت بنی عباس را با ایران در میان گذاشت و به آنان اطمینان دهه که دوران سپاه گذشته تجدید نخواهد شد. چنانکه بنی عباس گذشته از ادرات دوستی ملت ایران با امکان نیز بر مبنای حق و عدالت و مساوات اسلامی فدا خواهد کرد.

ملت ایران که برای آزادی و استقلال مین با دست نشانه‌گان بنی‌امیه جنگیده و دست بیگانگان را کوتاه کرده بود، نمیخواست قدرت خارجی دیگری... هر چند معتدل تر و ظاهر بی‌طرفی باشد قدرت پیش کرد و می‌گفت دست است اوبالاس سفاخ، در کار حکومت اسلامی عده‌ای از ایرانیان را شرکت داده و اینک بجای «نصر بن ساد نازی»، ابومسلم خراسانی و خالد برمکی و هم‌میان دیگری حکومت میراند و لی آنرا پایه نمایند خلیفه نازی بهاد؟

در واقع اکثریت مردم ایران از مسلمانان و غیر مسلمانان با هر گروه نفوذ بیگانه متضاد بودند و نمی‌خواستند بیگانگان نام امیر و بی هر دیگر در زندگی آنها دخالت داشته باشند.

عده‌ای انعزوم خراسان و جده استان دیگر، خلافت اسلامی را حق علویان و بنی‌نامه می‌انستند و می‌گفتند تنها فرزندان علی (ع) هایشکی خلافت و جانشینی جد خود بهامین اسلام را دارند و جن آنها هر کسی به خلافت بشتند بهر اخلاف افتاده و هر کز متافع و

فرانسه برنگر نهاده‌اند و در اشعارش نشانه تقبل و پس اقتصادی از سدهی مشهود نیست. اما او و زنش که ترجمه گلستان بنامه ابومسلم کتاب بابی... و سدهی را نخست گرمی می‌داشتند و سبب این علاقه نیستند پس آنان سدهی نام گرفت و از آن پس این نام برخاندان بهماند.

اصحاح حاملن در خواست اعصاف.

«دست‌گران و دوستو ایران چه بوی سر زمین من قطعا می‌توانند مضامین زیبایی از گلستان اخذ و اقتباس کنند. اگر برخی از حکایات گلستان بسن محلی ما نزدیک باشد و نوانند با آنها پیامیزه جای سخن گفتنی خواهد بود. بهر حال لا فو تن جهان بخوبی از همه اقتباس داستانهای و دیوای و رایسوس بر آمده است که توفیق امرایه دلگرمی و تشویق کسانی تواند بود که می‌خواهند برخی از کوشه‌ها ترین حکایات سدهی را به یورفر خرسف منو یا میرانند».

Virilamain مدعی است که سرایندگان دلمشگر قدیم ما چیزی به تمدن باستان ایران و روم و امدار نیستند و فقط با ادبایی و نیت محابیت و بی‌خوشی‌اند و قریبی دارند. ما نمی‌دانیم این دعوی تا چه حد درست است ولی آنقدر است که بتوان بهر ایزاد ادبای هر قی را به مایه ادبیات بومی (ب.ز.ان OC.) از قوه و بدو جوان قابلیت ادبیات محلیما (که می‌تواند از شهرواد هر قی رنگه کرد و تا بهیندیرد) حکم کرد.

هائری است درباره احوال و افکار سدهی رسا لمحققانه‌ای پرداخته است که بسیاری از مطالب آن در متن این بحث جای گیرنده عقیده او دستورات اخلاقی سدهی که مشحون به ملاطفت و نرمی است بر روی دو اصل بنیان یافته نخست اعتدال و میانه روی و دیگر مدارا و مباحثات و تسامح در زمینه مذهب و معتقدات و این جمله از طبع خندان و لحن بر عطر و تونگ و مایه گرفته است.

گلستان و بوستان دو کتاب اخلاق علمی اند. « بوستان در واقع حماسه اخلاقی است که در قالب داستان و تمثیل آمده است ...

اگر عارفانی سدهی که معتدل و تصنعی است در قسمت‌هایی از بوستان و خصوصا در پاره‌ای از گفته‌های غنائی او مشهود است.

اندیشه‌های عرفانی از بوستان مایه‌ای نندتر از گلستان دارد اما این مایه درس انبوهی از استعارات و کنایات و صناعات لفظی نهان است و این خود گویگاه پیچیدگی و تمثیل می‌آورد.

«... گلستان بوستانی است که جوهر عرفانی خود را از دست داده باشد (باستانی فصل دوم آن که مایه عرفانی دقیق و یرنگی دارد) ...

این اخلاق ملازم با عقل سلیم و فهم مشتقیم و آکنده از اعتدال و ملایمت، نرمی و میانه‌روی که در عصر خونریزی و جنگ و ویداد سدهی مایه شگفتی است، بهترین قسمت از آثار او را تشکیل می‌دهد. اخلاق سدهی نخست اخلاقی نیست امی است ... سدهی پیش از آنکه آدمی را قی حد داده و با انکشف ملاحظه و مطالعه کند به رفتار و کردار و سلوک اجزائی او بویگرد و چون عیوب و نقائصی یافت و بجای آنکه به تلخی و تندلی زبان به انتقاد، بگشاید سدهی نبردت به جوهر پرداخته است. کوشاش را راه و رسم نکوتری بنماید.

دنباله دارد

مصلح مسلمانان را در نظر نخواهد گرفت.

ابومسلم که جوانی فوق‌العاده دانستگ و دپای بند عهد و پیمان بود، هرگز این اندیشه را بهل راه داده که ممکن است بنی‌عباس همدشکی پیغه کنند و حقوق ملت ایران را بشراوشی سپارند از اینرو او که عده‌های ابراهیم و سفاخ دلمشکی داشت بطرفداری و تقویت آنان پرداخت و حتی ووشری را که علیه عباسان در بغداد روی داد پشت سر کوپ کرد. غافل از انکه سفاخ از ابومسلم است و سرانجام نسی خود را راب خواهد ریخت. سرانجام سفاخ از ابومسلم دعوت کرد تا به عراق بایند با او دیدار کنند و از ادو خواست که در این سفر پیش از پاسد سواد همراه نداشته باشد. ابومسلم در پاسخ نوشت: منکه خاندانهای بزرگی را از میان برداشته‌ام و دهستان بسیاری دارم، چگونه می‌توانم با پاسد نسی بسوی عراق حرکت کنم؟ سفاخ نوشت: وزارت همراه خود ببار با این همه ابومسلم با هفت هزار سواد روانه عراق شد و پیش از انکه وارد شهر آباد شود، سوادان بخود را به سده‌های وزارت داری تقسیم و هر جزا نفر را از انکه روانه وارد شهر کرد ...

سفاخ از ابومسلم استقبال شایانی به عمل آورد و از انکه باه بر این تکیه موقعیت خود هنوز وجود آن سردار بزرگ و بسی‌ه‌اند نیا داشته با نهایت محبت و احترام از او پذیرائی کرد. چندی بعد ابومسلم به سفاخ زیارت خاص خدا مصداق کبیده در بازگشت خبره از سفاخ زندگی را بدرد گفته و وصیت کرده برادرش منصور امیر خلافت را عهد داده شود. بامرک سفاخ «عبدالله ابن علی عباسی» عموی اوبالاس را معذور بدعوی خلافت برخواست و منصور ابومسلم را بدفع وی فرستاد.

در چنگی که بین ابومسلم و سپاهیان عبدالله در گرفت، ابومسلم سردارانیه زمان، پیر و زنده با ازبهار برادرش عبدالله خدمت بزرگی و حق معذور انجام داد.

منصور حاکم قندهار که از شکست عبدالله خوشحال شد، از انکه ابومسلم به آسیائی تمام مشکلات را از میان بر می‌دارد و در برابر ابوبغرت ووشری با کسی است که دارای مقاومت نیست پیش از انکه این پیغام کورد برای اینکه او را از خراسان و جوانان رزمنده ایرانی دور نگذارد فرمان حکومت ماه را بام او نوشت و بهل فکاشی فرستاد ابومسلم که هرگز انتظار نداشت با ابوجین رفتاری شود چنانکه از انچه می‌پنداشت و نیز نفرت و باخشمی بهار فرستاده خلیفه گفت من به خراسان می‌روم و نهائی به فرمان خلیفه ندارم.

منصور که از بازگشت ابومسلم بایران سخت بیگانه بود به حیل و نیرنگ دست یازیده، نامه های آمیز می‌راند برای او نوشت و چیدن از کسان خود را نزدش فرستاد تا او را از حرکت بایران معصرف و بهیاد باخلیه دانی سازند.

سرانجام حیل معصوم و نیت افناد و ابومسلم تحت تأثیر بهانات فریبده فرستگان خلیفه برای میداد او و مصداق شهر انباد شد و از قوه ندم معذور بهر حد داده شد و خواستند بجای رفتن بسوی خلیفه به شهر ری رود و زمان امور می‌پیمایشان را به بست گیرد اما ابومسلم با نیکای قول و پیمان معصوم، بیستهم می‌پیمانشرا نپذیرفت و در دهی در حلوان لشکر یارش وداع گفته با نیت بدنه روانه مرگ خلافت گردید. ابوجین معصوم دوائی دومین خلیفه عباسی که نامه برادرش به فداکاری ابومسلم و ارادش خلافت رسیده بود را رد نکرد و ناجوانمردی توسط قتل سردار نامدار خراسان را تدارک دید و کسان را مامور انجام آن کرد.

ابومسلم در میان استقبال با شکوه و فریبده خلیفه و عاملش وارد مقر خلافت معصوم شد. و منصور در هف نخست از او پذیرائی مفصلی به عمل آورد و به ساختن ملاطفت آمیز دلهای آرام و روح سرکشش را مطیع و رام کرد.

ابومسلم که از گفتار نیز و فریبده معصوم اطمینان خاطر یافته بود روز دیگر بدون اسلحه بزد او رفت. منصور با خود خور و قی با ادب گفتگو و نشست و پس از انقضی رشفه سخن را تمهید داد و کسی را که آهسته برای او و خاندانش فداکاری کرده بود مهمت بیعت ساخت.

ابومسلم با نهایت آرامی و ممانت بسختان او گوش فراداد و هنگامیکه برای ادای توضیح لب به سخن گشود، منصور دستیارا بهم زد که ناگهان چند دژخیم با ابومسلم که داشته وارد شدند و شندوبه ابومسلم حمله و زدن نمودند ابومسلم که دانست فریب خورده و با پای خود به قتلگاه آمده، بهیاختت تا شمشیر را از دست دژخیمی که آنرا حواله گردش کرده بود، بازستاند که شمشیر بران یکی دیگر از دژخیمان امانش نداد و دستش قطع شد در آن هنگامه از هر سو شمشیرهای برنده بر یکسر سردار نامدار خراسان فرود می آمد و منصور از مشاهده آن منظره هولناک لذت میبرد و در حالی که زیر لب می‌ریزد این عبارات از او شنیده میشد:

«ای ابومسلم باز ستان - جام شرنگی را که بدیگران چشاندی بویی»

ابومسلم در او پسین دم زندگی متوجه اشتباه خود شد و دانست که بیگانه بیگانه است و اموی و عباسی با کشتار کثرتی ندارند لیک، افسوس که دیگر در بدنه بود. با یکش ابومسلم خراسانی را آغاز راه و خدایش را در پیش میگرفت و نیت گداشت فرزندان عباس از مبارزه مین پرستانه هم می‌پیمانش سود بگیرند، منصور پس از این جنایت ناجوانمردانه، دستور داد دیگر ابومسلم را بدجله افکندند تا مگر شطره هیجان انگیز و سیمایی بهی او از اذهان فراموش گردد. مردم ایران از شکر و فرزند دایرو مین پرست خراسان بشدت متأثر و ناندو هگین شدند و جوانان غیور ایران در اندیشه بازستاندن انتقام خون ابومسلم، به تهیج افکار عمومی پرداختند و در آن سالها تمام پسران خانوادهاای ایرانی را به نشانه خونخواهی سردار و لیر خراسان و تفرخ و خلیفه بکشد ابومسلم نام نهداند تا خاطره آن فرزند بیرومند ایران زمین فراموش نشود و فرزندان این سرزمین برای خونخواهی او و ریشه کن ساختن نفوذ قوم بیگانه مبارزه خود را آگاهانه تر دنبال نمایند.

ابومسلم خراسانی، سردار دلیر و مین پرست کشور ایران را از زیر سلطه و نفوذ تازیان و اعمال شکار بنی‌امیه رهای بخشید و هر چند از فرزندان عباس فرشی خورد و جان خود را بر سر دوستی و اعتماد به جوانان خراسانی هرگز از یادش نرفته و خوشی خون پاکش جوانان برومند ایران زمین را بهرکت و جنبش در آورد چنانکه نهفت شد بیگانه تر سر اسر استانی ایران گسترش روز افزون یافت و دلاورانی چون «با یک ممدین» و «مقرب لیت» از اقوام جامعه ایران زمین برخاستند و مبارزات را به قوه خویش حکومت خلای بنی عباس را متزلزل کردند و بزرگی و عظمت تاریخ ایران زمین را با خون پاک خویش بجهانیان ثابت کردند.

این اشرف مخلوقات

هر روز که سری میشود از

این اشرف مخلوقات چیزهایی تازه و حرکات جالبتری دیده می شود یکی از این اشرف مخلوقات که در مقام وزارت اطلاعات و جهانگردی و سنگری عظیم الشان کابینه آموزگار چپ و راست خود رانمی شناخت و حتی به نویسندگان و بیعت تحریر پیروز نامه وابسته بود و می‌گفت و تیغ تر می‌فروخت در سلول زندان افاضه کلام کرده و اظهار داشته و که در مورد چاپ آق نامه در روزنامه اطلاعات بازداشت و بمن دستور داده شد من حتی آن را نتوانم روزنامه فرستاد و اگر دادگاهی باشد حقایق را نخواهم گفت لا بد مقامات گان عزیز بصرافت دریافته‌اند که آن نامه کذائی کدام بود و چگونه با چاپ آن مملکت ما یکپارچه آتش و خون شد و لی حالا این اشرف مخلوقات که اساسا به مسئولیت فردی يك و بر موصولیت مشترک کابینه بی نبوده مثل آدمی که نوکر مآب آمده قبول فریاضات

خویش بی بالاتر با و دهیج و اوج شخصیت و مسئولیت برای خود قائل نبوده است حرف‌های می‌زند که يك آدم عامی و عادی هم به سست و بی‌باید و حقانیت بودن آن می‌خندد آدمی که اصلا نمیدانسته چه مقامی دارد و چه مسئولیتی را قبول کرده و چرا در سلك اداره گندنگان امور مملکت وارد شده و چکار باید بکند خیلی طبیعی است که چنین عنصری ادعائی این چنین بکند و تصور نماید که اگر گفت «بمن از مقامات بالا دستور داده شد» همه حرفش را قبول می‌کند و از گناهان وی صرف نظر میکند که دنبال کارش بود و برای ارسالی بخارج را با خیال راحت و آسوده صرف عیاشی و خوشگذرانی نماید زهی خیال باطل ای اشرف مخلوقات که با اعمال و رفتار و گفته‌های خود آبروی هر چه اشرف مخلوقا بریدی،

در تظاهرات شهری جوانی کشته شد

در تظاهرات شهری جوانی کشته شد

در تظاهرات شهری جوانی کشته شد

در تظاهرات شهری جوانی کشته شد

در تظاهرات شهری جوانی کشته شد

در تظاهرات شهری جوانی کشته شد

در تظاهرات شهری جوانی کشته شد

در تظاهرات شهری جوانی کشته شد

در تظاهرات شهری جوانی کشته شد

در تظاهرات شهری جوانی کشته شد

در تظاهرات شهری جوانی کشته شد

در حال جنگ قرار گرفته باید شرایط زمان جنگ را قبول کند که مسلمان این شرایط را نپذیرفتند و نه دلایل آن
اما چه میشود کرد جوانان ما - مردان ما گفته میشوند - زخمی و مجروح می شوند - کمبود ضمنی ما محتاج عمومی نبوی مسجوس است و همه شاهد بالادین لحظه بلطف قیمت ها و گرانی بیرونی اجناس آنها اجناس مورد نیاز مردم مسجوس است که جنگ را درست داشته باشد ؟ کدام فرد و عنصر با ایمان و با عاطفه ای دانی میشود که زن و فرزند درست و خوش و آشای هموطنش دچار مصائب اذیت و خوارگی و آزارهای، عدم امنیت قطعی و کمبود مواد مصرفی غیر قابل اجتناب بشود که کوچکترین و ابتدائی ترین مظالم جنگ هستند !

اما چه می شود کرد ما اکنون با اینکه نگرانی فائده را و بر سر شده ایم این آنکه ظاهرا در یک سینه شده باشیم ولی آنچه موجب تاعف بیشتر است این است که با کمال تأثر می بینیم محدودی سودجوی

اقتباس ۱۵۰

از گزارش کلوپ رم

سر نوشت خطر ناک دنیا

در سال ۲۰۰۰ (۲۰)

دنیای صنعتی در مقابل کمبود نفت

در مقاله پیش دیدیم که منابع نفت جهان چگونه رو به اتمام است و ادعا شده است که در سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ بیشتر منابع نفتی جهان پایان خواهد یافت و این ادعا درست برخلاف آن نظری است که سابق بر این رواج داشت که امکان دارد تا آخر این قرن منابع عمده نفت جهان تمام شود . بهرحال هر کدام از این نظرات درست و قابل قبول باشد مسئله اساسی نیست که جامعه بشری به دلیل افزایش سرسام آور جمعیت از همین حالا در مقابل کمبود شدید نفت قرار گرفته و دنیای صنعتی در مقابل این بحران بزرگی برانزورده خواهد آمد زیرا آمار نشان می دهد که مصرف نفت انرژی جهان صنعتی و کشورهای توسعه یافته بشکل حیرت آور و نگران کننده افزایش یافته بشکلی که ممالک آسیای جنوب شرقی مصرفشان ۵ و ۶ برابر گردیده است و معلوم نیست در سالهای بعد یازهم بالاتر نرود و این جاست که جامعه بشری باید فاتحه همه چیز را بخواند و بیکر چاره جویی خود، دردهای خود باشد جهان صنعتی در چنین وضعی فقط یک فرصت کمی در اختیار دارد که تا بتواند به منابع جدید انرژی دست یابد و این کار هم وقتی عملی خواهد بود که از تمام منابع موجود و ذخایر نفتی جهان استفاده بهره برداری کند در ضمن به ملل در حال توسعه توصیه شود که فقط در موقع بسیار اضطراری از منابع جدید انرژی استفاده نمایند .

این جا سوالی جلب توجه می کند باین شکل که آیا امکان این هست در لحظات حساسی که مصرف نفت در حال کنترل است مثل سایر مواد اولیه مصرف آن بررسی و تحت کنترل در آید؟ آیا موقع آن نرسیده است که ممالک توسعه یافته از جهانیان بخوانند که در مصرف نفت خود بپوشند و آن را تجدید نظر کرده و مصرف منابعی را که قابل تجدید نبوده و جانشین ندارند تحت کنترل در آورند؟ برای رسیدن به یک چنین نتیجه « که البته احتیاج بطول مدت خواهد داشت » ممالک پیشرفته باید از توسعه طلبی خود (که جنبه منفوق توسعه دارد) دست کشند و بطور قطع توزیع انرژی و سوخت را بشماره افراد و سرانه مردم تنظیم و این امر را تحت نظم خاصی در آورند و برای اینکه اصل کمک به توسعه امور جهان قیافه احترام آمیزی پیدا کند صدها میلیون مردم نهی دست و پا بزنند و قیافه بختی بخت یا بند بایستی مسئله سرمایه گذاری در یک منطقه وسیع تری شامل همه مردم دنیا گردد. اگر این وضع در اثر همکاری صمیمانه مسئولین امور دنیا هر چه زودتر بر طرف شود و مشکلات و مصائب جامعه بشری رو به هم هر چه پیشتر آید به گرد ترس این می رود که همه راه حلها از دست برود که حتی با بکار بردن قوی ترین بهیهای اتمی و هیبرلرونی نیز نشود به نجات جهان موفق شد .

ناتمام

خدا نافرانی که بعضی از آنها متأسفانه و فحاشی عنوانی که حق مسلم مسلمانان حقیقی و ذاتی آن خانه خدا است با سفری پاساژی چند روزه در راحت مقام برنام خود نهاده و با استعداد و دیهت این عنوان مقدس که اولین شرطش خودداری از دروغ و هیاهو و به حقوق سایرین است در آشفته بازار هیچ و مرجی که به اکثریت ملت زجر کشیده و غارت زده ایران انحصار شده تا آنجا که می توانست و قدرت دارد و با باصلاح نیتشان می برد آخرین قطرات خون کم رقم ملتها را با کیف ولادت میکشند و می نهند در این غوغا و وادیای مواد سوختی افرادی را می بینیم که آب در نفت و بهترین میریزند و قدرت و خونس پهرشان بهیچون محتاج و مستاصل خود میفرزند، بقالو کاسی را مشاهده می کنیم که خاک و خاکریز به دکان خود را بجای اینکه دور بریزند در کسبه ها و کوچه های حیوانات خود می سازند می کنند . سبزی فروش محل نیز عنوانی را می توانست که تهیه نفع بهترین یا لیون و سوله نقلیه جتن خود را چنانچه برای بهای اصلی میفرشد و بقیه خود کسب حلال می کند، راننده تا آنجا که پیدا شود تا کسب می کند و نی انداز در هر چه و در هر خواست مطالعه میکند و می گوید اما آیا آن طبقه ای که مجبور به با حقن باقی بنور و نگرانی می شود و تازمه برای دریافت چک حقوق یا حقوقی ساعت و گاهی چند روز در صف نوبت انتظار بکشد چه میشود؟

شما در این گیر و دار ممکن این حقیقت هم نمی توان شد که عده ای از تجار و کسبه خداشناس را می بینیم که در این ایام که مردم گرفتار پیشانی و آشفته کسب و کار و ایمان بران نام آرام آلوده و پراهمانی و ارشاد در دستور مراجع مالی تقلید دامان همت یکس زده و بمصدق (لا ینکلف الله فی حق الا انما کما کما) توانسته اند یا می توانند به کمک برادران و موطنان دینی خود پرداخته و بطوری که میگردند کارهای اذیت را فاسد فرشته گاه برای فروش اجناس ضروری به قیمت ناآزنی از بازار روز دو بقیه تقاط و حتی اجناس ضروری را در جنوب هس با کمپونتها و وانت بارها به قیمت تمام شده میفرشند و تحویل مقداری نفت و مواد را یکبار میگردند (به مردم بی بضاعت) انجام می دهند چنانچه علی الله که انشاء الله مورد تقلید سایر افراد توانا و مستطیع حق را گردانند و آنرا تنها همت این عده یا جمع مددگاری است و اینکه می تواند جانشین جسدان یک انصاف عموم معلومین حقوق مستطیع را که مخصوصا بیرونها بوجودشان و بالائی آنان به اصافشان نیاز داریم میشود ؟ شک نیست که اگر دوره مالی و سود برین در راههای راستی نامشروع را که باختصار به آن اشاره کردیم بیرون هیچ دین و آئین و مذهب مسلکی نمی پذیرند چاره هم می رسد که مسلمان و تابع کتاب آسمانی و مقدس ما قرآن حشده که میفرماید ان الله یامر بالعدل و الاحسن ...

در گذشته ای چندین دور آمدند ظاهرا بنظمی حفظ حقوق مصرف کننده اما قضاوتی بنام اطاق اسفاد ساخته و ورش اطاق هم بنوبه خود روسای انتصابی برای پیشه و راه و اسفاد انتخاب کرد آنها هم به حکم (الناس علی دین روسایه) و به دستور پیری از فری که نه رسلش معلوم بود از رشتی خبری میپویند که خبر میپویند از کاسب و پیشه و راه و دکاندار و هر کسی که بود باج گرفته و به پاندهای گوناگون سر کسبه ها گردنه و در گروه می افتد و حقش بران جمع و خرج و ده درسد بر جیب صورت کسبه های طلاق فرهای قیمتی تسلیم چهار دس می برده می کردند و ایشان هم که تا چند سال پیش آه در بساتین نداشته و دلا و دلا در میسران کفاز دریا می خریدند و با سفاده لست منتشره حشده و ده میلیون تومان ارزغیر تجارتی هم از کسود صادر میکنند (ظریفی باشماهد این رفقتش فرشتگی آقا می نویسد اطاق اسفاد از روز تولدشان ماهی حشده جز از تومان حقوق و مزایا دریافت می داشتند پند خداوند فرصتی بپایان میوه تا یک هزار و بیست و پنج سال از عمر مرامشان بگذرد تا چنانچه بولی بهم بزنند و بپادشاه صادر کنند که از منم حشده نوبم تجارت می کنند (البته در این دین هیچ خبری نمی دانسته باشند) بقیه پیشکش ایشان باشد !!

با این همه احوال شما فکر میکنم فروشنده جریمه شده از این رهگذر ضرری محصل میدهد بقیه سوگند نه ! او یک رمال جریمه را چند برابر میکرد و از خریدار مصرف کننده بیخود با زرس می گرفت . اما حالا وضع آنهم که بوده بدتر شده یکروز ناشناس سر به فرشته گاهها - موبو فرها - خود را بار بار بزدن بدین حقیقت درون میوه (البته نه هم آدم با انصاف هم در این طبقات زیاد داریم) دیگر مرجعیم برای شکایت نیست (و بهر که نیست) داد و دیو از قول بعضی مراجع قضائی توصیه میگرد که ما برای گزارش فرشی قانون داریم، دادگستری، وادگاه بخش نمیدانیم کجا؟ شمارا بخواه حساب کنید بعضی که مثلا یک کیلو باریج با سبزی را یک تومان گران خرید است کجا برود با کدام موهله نقلیه برود؟ وکیل بگیرد شکایت کند و واپایان چه میوه جز اینکه پیریش خوش بخندند!

ما که هنوز جنگ را بمعنای واقعی آن مثل آلمان و فرانسه و انگلیس و غیره در جنگهای جهانی نرفته ایم ولی در آن کشورهای جنگ زده و بران شده همچنین دارو و معضای بی انصافا های رایج نبود سهل است خیلی انزوم در موارد سخت مواظب و مراقبیم بودند و بهادام می رسیدند، حتی اجتماعاتی هم کمتر مصرف میکردند تا

۵ - آمینی

اقتباس از مجله سلسکون دور بدردا یجست شماره آوریل ۷۸

قتل اسرار آمیز پرزیدنت کدی

« قسمت دوم »

او در آن یکام ۱۸ ساله بود ظریف و طنان بنظر می رسید و مژدهای سیاه و قشعی داشت و چنان احساس می شد که در بدام کشیده مردها یسه طولانی دارد او بیشتن اوقات به (تانی) (مارپهسکی) میرفت باین امید که با انرا در مغتلفی آغا بود در او اصرار (اوت) زندگی در کنار (مندو رود) برای او از جهت غیر قابل تحمل کشه بود این جهت هم تصمیر گرفت دعوت عمومی خود را پذیرفت و زندگی خود را به عرض کرد همی او سر جنگ دید (لیلیا واسیلویچ برما کور) بود و بهیچانده کرده بود که بخانه او در هر (مینک) آمده و با وی زندگی کند. او همسایه دوزدانان اخله

و مسئول حفظ نظم بود این جهت هم یکی از شخصتهای با نفوذ بهیچانده میرفت و مسلم است که مثل اغلب مقامات ظالمانه قضاوت می کرد بود و در دامن تصمیات شهر صاحب نظر بهیچانده . در ماه (مارپا) در دوازدها سومین بیمارستان شهر (مینک) بخدمت گمارده شد و چون در خانه همی خود زندگی میکرد خیلی سریع بدون مانع با دانشجوین دانشگاه و بزرگانی دانیچووان و وسماری، همسایه و بالاخره با تمام افراد بزرگیزه جامعه خودی آشنا شد و با هر کسی بهیچانده میل داشت لظاظات خوبی را در میدان پرزوری وادار و معلول سکونت

بیانیه حزب راما
بقیه انصحه ۱۸
ملت گرامی و جاویدان ایران
انقلاب بزرگ سیاسی ما بادشاهی

وزارت جنگ

تجدید آگهی مناقصه شماره ۶۰

تاریخ ۱۳۵۷/۸/۲۹

فرماندهی لجستیک نیروی زمینی شاهنشاهی جهت مصرف یک قلم جنس مهر و نه زرد ،
۱ - اجرت دوخت جلد بیل و کلنگ سرهم (طبق نمونه از نظر دوخت) به تعداد یک در هر یک شرایط معامله مندرج است از طریق مناقصه خریداری می نماید .
پیشنهاد دهندگان می توانند با مراجعه به دفتر اسفادات فرماندهی لجستیک نیروی زمینی شاهنشاهی و ملاطفت نمونه اجناس و دریافت برگ شرایط و مشخصات معامله پیشنهاد خود را طبق مفاد مندرج در شرایط معامله تنظیم و تا ساعت ۱۳۰۰ روز یکشنبه ۱۳۵۷/۸/۲۹ به دفتر اسفادات فرماندهی لجستیک نیروی زمینی شاهنشاهی تسلیم نمایند .

فرماندهی لجستیک نیروی زمینی شاهنشاهی ۴۸۸-۲ ۲۰۴۹۱ الف

بدینکار هم سهمی برد (البته با استفاقی لالاهای بازار سهام) نه مثل ما که باوزن یک نسیم مخالف یک روزه بجای دوسه کرده نان پنجاه شست نان خریداری و ذخیره کند یا خوش و آب انبارش را از انفت و بهترین لبریز کند .
فکر نمیکند اینکه امور اجتماعی نیاز به مرجع قانونی و دادگستری و دادرسی داده باشد فقط باید از خدای بسز و کسالت کیم تا ما را هدایت کند تا اسفاده را از سوء استفاده باز فاشیم و عدل و انصاف را که در دین مقدس ما اسلام پیش از هر چیز روی آن تاکید شده فراموش نکنیم .

از سرخی تا خرمشهر آزادارات تا چهار ملیتی با صدایان حکومت استبدادی و ایجاد نظام اجتماعی نوعی را میطبقت .
دورتر شر بهای همین فریاد های اعتراض و تحریک انقلابی بود که حکومت نظامی ، با حمایت و بار کابل خود انزای در آمدن کتون حکومتی غیر نظامی با همی به یشتی اوزد ارتش اوقت ملی بری کار آمده است .

نحوه بر روی کار آمدن این حکومت ترکیب ناروا و چهره غیر انقلابی آن تردیدی بسز و در مردم ایران بوجود آورده است .
تردیدی که ناشی از انکاری عمیق است که میداد این وضع به نحوه همگی منتهی به تثبیت وجه کثرتی و یا بازگشت به استبداد ووزری گنده کرده .

در این شرایط حزب رسالت انسانی مردم ایران در دفاع وظیفه خود میداند که با رویکرد حکام باهمی انقلاب ایران و تمام مردم ایران خواست خود را برای پایان کامل نظام استبدادی و ایجاد حکومت واقعی ملی تاکید و تکرار کند .
حزب راما سر صبا اصلاح میدارد که بر اساس آرمانها و کومند انسانی در درگاه ایجاد جامعه وائا آزاد و معنی به ارزش های اقتصادی ، اجتماعی و انسانی بیکار می نماید .
در این راه و در این پیکار مقدس بقیه در صفحه ۴

بهره اضافی

بانک رفاهی ایران با بهره اضافی

جمعا ۹٪ بهره

به پس انداز آزاد شما پرداخت میکنند



برای کسب اطلاعات بیشتر کلیه شعبات و واحدهای بانک رفاهی ایران در سراسر کشور مراجعه فرمائید
بانک رفاهی ایران، بانک همگن شما

اورا دوست داشت قبول کرد که نامزد شوند و روز ۳۰ آوریل آنها اجازه داشتند با یکدیگر ازدواج کنند . از زمانی که اوسوالد با (مارپا) ملاقات واز او تقاضای ازدواج کرد درست یکماه گذشته بود . در این مدت همه مسائل در یک شرط حیرت آور و تعجب انگیز سوری کشه و آه ، هرگز یک قزاقی و تفریق کامل نداشته و لسانی انجاست هم بدیگر نبرده بودند از طرف دیگر ازدواج آمریکایی که از تابعیت اصلی خود سرنقل کرده با دختری که وابسته به سرنگ دوم سامان (مرود) بود خیلی عادی جلوه نمیکرد و از وقایع عادی آن شهر بشمار نمی رفت . کمی بعد از انجاست مرام (مارپا) از مقامات شهر (مینک) و (مسکو) تقاضای رفتن با آمریکا را کرد و به محض این که مدارک و اوراق ضروری را بدست آورد به سفارت آمریکایرکامر اچد و مدارک با نان اسرار می کرد که کوما یل جی کتوی را بکشورهای متحده آمریکای شمالی فرام آوردند . و اظهار شد و تقاضای وی و اختلافی که بین گفته و مدارک آن موجود بود ثابت می کرد که مدارک مزبور بازنگاری از طرف دستگاههای سری شوروی در اختیار این دفتر خوشگل گداشته شده است . و باید یک نام و نشان جدید هم بوی داده اند که با گفته اش کاملا فرق دارد .
بویژه در لحظاتی که آنها تصمیم داشتند (مارپا) را با پانفاد اوسوالد با آمریکا بفرستند

آنها سوری میکرد و خلاصه دقایق و ساعات خوشی را پشت سر می گذاشت .
در ماه مارس ۱۹۶۱ در جریان یک دفعه باله در قصر جنگ با مردی بنام (آلک) آشنا شد که نسبت به نظرات و خوشگلی (مارپا) خیلی حساسیت و علاقه نشان داد آنها باهم در قصر رفتند و صحبت نمودند و (مارپا) متوجه شد که مره جوان (آکسان) شخصی دارد دینه در کمال حیرت و دلباشت که او آمریکائی است و نامش (لیلیا واری اوسوالد) است و در هر (مینک) بس میبرد . حقه های بعد این دو نفر در یک مجلسی در یکی از محلهای که پیدا کرده و (مارپا) قول داده که روز جمعه ۳۱ مارس با او برگردد و متوجه برود اما با بعد از آن روز موعود (اوسوالد) برای او را برای بهیچانده در بیمارستان بسفری کردند و با اینکه ملاقات بهیچانده در قفسه روزهای یکشنبه مجاز بود (مارپا) چون لباس او تغییر داده و رسانی داشت تمام روزها توانست از این بهیچاندهات کرده و در تمام ایام تقاضای بهیچانده از او سبزی در آن لحظات (اوسوالد) یک قیافه ترحم آموزی داشت و هر کسی که او را میدید بدین حال وی میسوخت روی این اصل هم وقتی سبزی جوان از (مارپا) خواست که با وی ازدواج کند بدون کمترین تردیدی تقاضای وی را اجابت کرد و با اینکه هنوز

